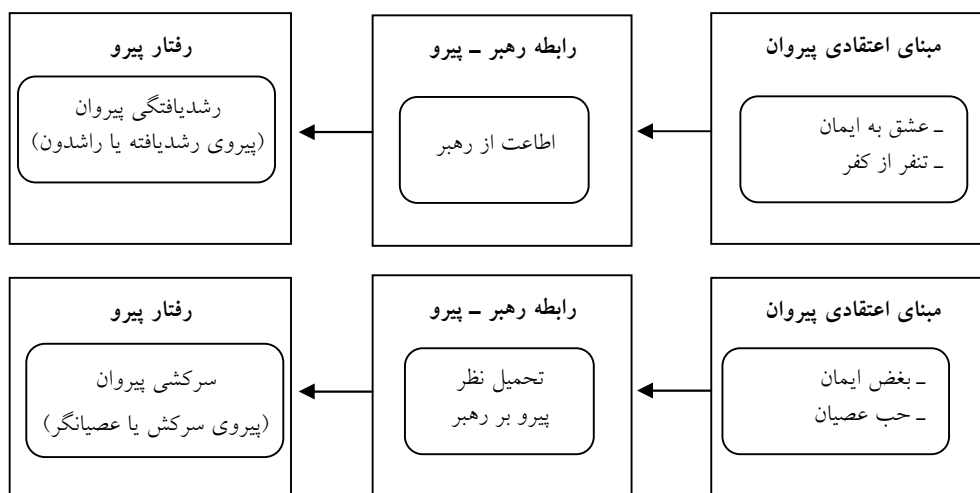


سخن سردبیر

آسیب شناسی پیروان ناکارآمد

در فرایند رشد و تکامل جوامع اسلامی از نقش بسیار تأثیرگذار عامه مردم بویژه در زمانی نباید غافل شد که به ایفای نقش پیرو می‌پردازند. پیروان رشدیافته ضامن موفقیت برنامه‌ها در سطح ملی و سازمانی هستند. ناکارآمدی و عصیانگری در پیروان، موجب عقیم ماندن تلاشهای مدیریت و عقب‌ماندگی خواهد شد. در این مجال کوتاه تلاش می‌شود با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن کریم و بیانات امام علی(ع) و همچنین اندیشمندان اسلامی، عارضه‌هایی که دامنگیر پیروان در فرایند رهبری می‌شود در قالب نوع‌شناسی پیروان ناکارآمد مورد واکاوی قرار گیرد.

خداوند متعال در آیات سوره هود، چگونگی برخورد و تعامل پیامبران الهی همچون حضرت نوح(ع)، حضرت هود(ع)، حضرت صالح(ع)، حضرت لوط(ع)، حضرت شعیب(ع) و حضرت موسی(ع) را با مردم بیان می‌کند به گونه‌ای که این رهبران الهی در برابر بهانه‌تراشی و خشونت‌طلبی مخالفان از شیوه خیرخواهانه، منطقی و ملایم استفاده می‌کردند و عقاید خود را با اکراه به قوم خود تحمیل نمی‌کردند؛ اما در مقابل، قوم آنها لجاجت می‌کردند و وارد مجادله و دشمنی با این رسولان الهی، و باعث مایوس شدن پیامبران و نازل شدن عذاب الهی می‌شدند. خداوند متعال در آیه ۷ سوره حجرات می‌فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ»: «و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست - و شما باید از او فرمان برید نه او از شما - که اگر در بسیاری از کارها شما را فرمان برد، هر آینه به رنج افتید و هلاک شوید ولیکن خداوند ایمان را در نزد شما دوست‌داشتنی ساخت و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و بدکرداری و نافرمانی را ناخوشایندتان داشت؛ ایشانند راه‌یافتگان».



فرایند شکل‌گیری رفتارهای پیروان رشد یافته و سرکش (مقیمی، ۱۳۹۴: ۴۸۲)

بر اساس آموزه‌های این آیه شریف، باید محوریت تصمیم‌گیری و هدایت با رهبر الهی باشد و مردم تابع باشند. اگر مردم نظریات خود را بر رهبر تحمیل کنند و رهبر پیروی آنها شود، خودشان به زحمت می‌افتند و از مسیر هدایت خارج می‌شوند. امام علی(ع) در خطبه ۳۶ نهج البلاغه، ضمن گلایه از مردم می‌فرماید: «من شما را از این حکمیت نهی کردم؛ ولی با سرسختی مخالفت کردید تا به دلخواه شما کشانده شدم». نتیجه این نافرمانی، خارج شدن مدیریت از مسیر اصلی هدایت بود که صدمات جبران‌ناپذیری را به جامعه اسلامی وارد ساخت. «عشق به ایمان» و «تنفر از کفر»، مرحمت خداوند است که «رشدیافتگی» را در مردم موجب می‌شود. خداوند در دل هیچ کس «حب عصیان» و «بغض ایمان» را نیافریده است؛ لذا «راشدون» یا رشدیافتگان، کسانی هستند که از طریق ایمان، که نوعی عشق قلبی است از رهبر الهی اطاعت می‌کنند و سرکشی نمی‌کنند. در این بخش با توجه به فرمایش امام علی(ع) و هم‌چنین دسته‌بندی خواجه نصیرالدین طوسی، «پیروان ناکارآمد یا عصیانگر» مورد شناسایی قرار گرفته‌اند. امام علی(ع) در خطبه ۳۲ نهج البلاغه، مردم را ابتدا به دو گروه تقسیم می‌کند: اهل دنیا و اهل آخرت. اهل دنیا به نوبه خود به چهار گروه تقسیم شده‌اند که می‌توان از آن به عنوان مبنای دسته‌بندی «رفتارهای افراد دنیاطلب» یا پیروان ناکارآمد استفاده کرد. - گروه اول: مردمی آرام و گوسفند صفت؛ هیچ‌گونه تباهاکاری از آنها دیده نمی‌شود؛ تنها به این دلیل که عرضه‌اش را ندارند؛ آرزوی این کارها را دارند، اما قدرت انجام دادن آن را ندارند.

- گروه دوم: هم آرزوی فساد دارند و هم همت و قدرتش را؛ به گردآوری پول و ثروت همت می‌گمارند؛ قدرت و حکومت را به چنگ می‌آورند و از هیچ فسادی کوتاهی نمی‌کنند.

- گروه سوم: گرگانی هستند در لباس گوسفند؛ اهل دنیایند در سیمای اهل آخرت و در میان مردم آن‌چنان ظاهر می‌شوند که اعتمادها را به خود جلب کنند تا مرجع امانات مردم قرار گیرند.

- گروه چهارم: در حسرت آقایی و ریاست به سر می‌برند و در آتش این آرزو می‌سوزند؛ اما حقارت نفس، آنان را خانه‌نشین کرده است و برای اینکه پرده روی این حقارت بکشند به لباس اهل زهد در می‌آیند.

امام علی(ع) این چهار گروه را به‌رغم اختلافاتی که از نظر برخورداری و محرومیت، روش و سبک و هم‌چنین روحیه با یکدیگر دارند، همه آنها را یک گروه می‌داند؛ اهل دنیا (مطهری، ۱۳۸۹: ۲۷۱). از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی، در مدینه فاضله گروه‌هایی هستند که از فضیلت دور می‌شوند و اغراض دیگری را دنبال می‌کنند. به تبع نوع اغراضی که آنها دنبال می‌کنند، به گروه‌های انحرافی تبدیل، و مانند خارهایی که در کشتزار پیدا می‌شوند در مدینه فاضله آشکار می‌شوند و عنوان «نوابت» به خود می‌گیرند. با توجه به اسباب پیدایش، نوابت به پنج دسته تقسیم می‌شوند (یوسفی‌راد، ۱۳۸۰: ۱۸۸ - ۱۸۶) که عبارتند از:

- مرائیان (ظاهرنمایان): اینان دسته‌ای از مدینه فاضله‌اند که افعال خود را نظیر افعال فضلا ساخته‌اند و از حیث عمل نمی‌توان تفکیکی بین این دو قائل شد. آنچه اینان را از فضلا جدا می‌کند، اغراضی است که از رفتار خود دنبال می‌کنند و آن اینکه فضلا رفتار خود را در رسیدن به سعادت انجام می‌دهند؛ اما مرائیان هر آنچه را غیر سعادت حقیقی است، نظیر لذت‌طلبی، هدف قرار می‌دهند.

- محرّفان (تحریک‌کنندگان): اینها گروهی هستند که ممکن است غرض از رفتارشان خیر و سعادت باشد، اما در غایات به اهدافی متمایل می‌شوند که نظامهای جاهلی به آن سو می‌روند و چون قوانین مدینه فاضله مانع رفتن آنها به آن سو است، آن را به نوعی با خواست امیال خود تفسیر می‌کنند (تفسیر به رأی قوانین) که به مطلوب برسند؛ یعنی غایت افعال خود را در جهت مُدُن جاهله قرار می‌دهند. خواجه نصیرالدین در همین زمینه می‌گوید: «ایشان جماعتی باشند که به غایات مُدُن جاهله مایل باشند و چون قوانین اهل مدینه فاضله مانع آن بُود، آن را به نوعی از تفسیر با هوای خود موافقت دهند تا به مطلوب برسند (اخلاق ناصری: ۲۹۹ به نقل از یوسفی راد، ۱۳۸۰: ۱۸۶). این گروه

برخلاف دسته اول، ممکن است اغراضشان همان اغراض اهل مدینه فاضله باشد، اما غایاتی که برای افکار و افعال خود دارند به اهل مدینه جاهله گرایش دارند که معارف حقیقی را نمی‌دانند و بسته به اغراض خود در تعاون با یکدیگر، سعادت را در موهوماتی نظیر ثروت و غلبه می‌بینند.

- باغیان (متمردان): اینها گروهی هستند که ریاست مدینه را بر نمی‌تابند و تمایل دارند که ریاست مدینه را به نحو تغلبی (غلبه با زور) بر عهده گیرند. باغیان بدین دلیل به «ریاست تغلبی» گرایش دارند که می‌خواهند روابطشان با دیگران به صورت غلبه بر آنها و به استبعاد گرفتن آنها باشد؛ زیرا خود را از دیگران برتر و دیگران را فروتر می‌دانند. اینان بدان علت که وجود ریاست فضلا مانع وصول آنها به اغراض خود می‌شود، رئیسی می‌خواهند که افکار و افعالش موافق عوام مردم باشد و گرنه در صدد بر می‌آیند که عوام را از تحت اطاعت وی بیرون آورند. خواجه نصیر این گروه را «باغیان» نام می‌نهد؛ زیرا اینان به دلیل داشتن روحیه سلطه‌جویی علیه سیاست حاکم و ریاست آن به توطئه‌چینی می‌پردازند و مردم را از اطاعت آن باز می‌دارند.

- مارقین (صاحبان قوای ادراکی ناقص): این گروه دچار سوء فهم از اغراض فضلا در مدینه فاضله هستند و با سوء فهم خود و حمل معانی بر غیر آنچه مقصود فضلا است از حق منحرف می‌شوند. اینان بر چنین امری عنادی ندارند؛ بلکه به دنبال ارشاد خود هستند و باید به ارشاد آنها امیدوار بود. خواجه نصیرالدین طوسی درباره این افراد می‌گوید: «ایشان جماعتی باشند که قصد تحریف قوانین نکنند؛ اما از سبب سوء فهم بر اغراض فضلا واقف نباشند، آن را بر معانی دیگر حمل کنند و از حق انحراف نمایند و باشد که این انحراف مقارن استرشاد بُود و از تعنت و عناد خالی بُود» (اخلاق ناصری: ۳۰۰ به نقل از یوسفی راد، ۱۳۸۰: ۱۸۷). غرض مارقین همانند فضلا است؛ اما به علت عدم وقوف بر اغراض فضلا، ادراکشان از آن اغراض متفاوت است و همین امر آنها را از حق منحرف می‌کند.

- مغالطان: این گروه، معارف کامل ندارند و دارای تصویری تام نیستند تا تصورشان به شناخت از حقایق منجر شود. اینان به دنبال تحصیل کرامت‌اند؛ از این رو به جهل خود اعتراف نمی‌کنند و سخنان مشابه به حق را در قالب «استدلای حق‌نما» به مردم عرضه می‌کنند تا آنها را به طرف خود جلب، و از ریاست فضلا دور کنند در حالی که خود در سرگردانی به سر می‌برند. خواجه نصیر طوسی درباره این افراد می‌گوید: «ایشان جماعتی باشند که تصور ایشان تام بُود و چون بر حقایق واقف نباشد و از جهت طلب کرامت به جهل معترف نتوانند شد به دروغ سخن‌هایی که به حق

ماند، می‌گویند و آن را در صورت ادگه به عوام می‌نمایند و خود متحیر باشند» (اخلاق ناصری: ۳۰۰ به نقل از یوسفی‌راد، ۱۳۸۰: ۱۸۷).

دسته‌بندی خواجه نصیرالدین طوسی از اهالی مدینه را می‌توان با کارکنان سازمان تطبیق داد به‌گونه‌ای که «مراثیان سازمانی» کسانی هستند که در فعالیتهای سازمانی از کارایی لازم برخوردارند؛ اما از آنجا که اهدافی غیر از اهداف سازمان آخرتگرا را دنبال می‌کنند، اثربخشی لازم را ندارند. «محرّفان سازمانی» کارکنانی هستند که به دنبال سعادت، نیک‌فرجامی و موفقیت سازمان هستند؛ اما به سمت هدفهایی غیر از اهداف واقعی سازمان متمایل می‌شوند و قوانین سازمانی را در این راستا تفسیر به رأی می‌کنند. «باغیان سازمانی» کسانی هستند که خود را تافته جدا بافته می‌دانند و به دنبال «رفتار تغلّبی و سلطه‌جویانه» با دیگران هستند و برای سلطه‌جویی در سازمان به مدیریتی تمایل دارند که دارای «سبک عوامانه» باشد. در غیر این صورت تلاش می‌کنند تا از طریق شوراندن عوام، مدیریت سازمان را در دست بگیرند. «مارقین سازمانی» کارکنانی هستند که به دنبال تعقیب اهداف سازمانی و اجرای وظایف مطابق با شرح وظایف تعیین شده هستند، ولی سطح فهم و ادراک مناسبی ندارند و همین امر باعث سوء برداشت و عملکرد نامناسب آنها می‌شود. «مغالطان سازمانی» کارکنانی هستند که شناخت کافی از اهداف و مأموریت‌های سازمان ندارند؛ ولی به جهل خود معترف نیستند و مدعی هستند که درک و فهم آنها از سازمان و اهدافش کامل است؛ لذا تلاش می‌کنند با استدلال‌های حق‌نما، واقعیات سازمانی را به گونه‌ای دیگر جلوه دهند و دیگران را به سمت خود متمایل سازند و مدیریت سازمان را تضعیف کنند.

با عنایت به این دسته‌بندیها بخوبی می‌توان دریافت که ناکارآمدی پیروان، دلایل مختلفی دارد و در قالب‌های رفتاری متعدد و گوناگونی جلوه‌گر می‌شود که بسیاری از این جلوه‌های رفتاری، نه در اثر غرض‌ورزی و روحیه تخریبی، بلکه نتیجه ناآگاهی و جهل پیروان، ظهور و بروز می‌یابد. بر مدیران و اندیشمندان حوزه مطالعات سازمانی بایسته است تا به تناسب آنها، اقدامات لازم را تدارک ببینند و در جهت تبدیل آنها به پیروان رشد یافته و کارآمد، تدابیر علمی و اجرایی را فراهم سازند.

سید محمد مقیمی

moghimi@ut.ac.ir

<http://www.prof-moghimi.ir>